



- مقدمه**

مطابق اعتقاد مسیحیان، حضرت آدم(ع) و حوا(س) پس از خلقت، به باغ عدن منتقل شدند و به آنها اجازه داده شد از تمام نعمت‌ها جز ثمره یکی از درختان استفاده کنند. آنها با اینکه پاک و مقدس آفریده شده بودند، از میوه شجره معرفت نپهی‌شده، خوردند و این موجب شد از مقام خود سقوط کنند و مواهب آسمانی خود را از دست بدهند. این گناه نه‌تنها آنان را گرفتار کرد، بلکه تمام اعقابشان را نیز آلوده و پلید کرد. بدین رو، تمام انسان‌هایی که وارد این جهان می‌شوند، وارث گناه آدم(ع) و حوا(س) هستند و همراه ماهیتی آلوده و گناه‌آلود با به عرصه وجود می‌گذارند. به این ذات آلوده و گناه‌آلود- که میراث انسان نخستین است- «گناه ذاتی» می‌گویند.

برخی از عبارات کتاب مقدس، مهم‌ترین دلایلی است که مسیحیان در اثبات این آموزه مهم بدان‌ها استناد می‌کنند و «پولس» نقش موثری در تلقی آموزه «گناه ذاتی» از کتاب مقدس داشته است. رساله‌های او، بویژه «رساله به رومیان»، در این زمینه توجه بسیاری از بزرگان مسیحی را برانگیخته است. همچنین عبارت ۱۲:۵ این رساله، مهم‌ترین عبارت کتاب مقدس بر این آموزه دانسته شده و در بسیاری از منابع الهیاتی مسیحی، به آن اشاره شده است. غیر از این عبارت، متون دیگری نیز از کتاب مقدس وجود دارد که به نحوی در تکمیل فرآیند آموزه «گناه ذاتی» نقش داشته است؛ از داستان گناه نخستین تا همگانی دانستن گناه و فساد ذاتی انسان و قیاس‌هایی که بین آدم(ع) و مسیح(ع) صورت گرفته و فدیهِ بودن مسیح در ازای گناه ذاتی انسان، همه و همه در تأیید این آموزه مورد استناد قرار گرفته‌اند. اما برخی صاحب‌نظران مسیحی تفاسیر دیگری از این متون ارائه می‌دهند که کتاب مقدسی بودن آموزه «گناه ذاتی» را با چاشنی مهم مواجه می‌کند. علاوه بر این، متون دیگری نیز از کتاب مقدس وجود دارد که بر این آموزه و لوازم آن منطبق نمی‌شود و موجب شده بسیاری، به وجود آموزه «گناه ذاتی» در کتاب مقدس با دیده تردید و بنگرد، بنابر این کنار هم قرار دادن این دو دسته از متون(مخالفان و موافقان) می‌تواند جالب توجه باشد. این نوشتار در پی آن است تا متون موافقان و مخالفان را درباره انتساب آموزه «گناه ذاتی» به کتاب مقدس بررسی کند. بنابر این ابتدا دلایل انتساب این آموزه به کتاب مقدس ذکر می‌شود و سپس پاسخ‌ها و تفاسیر دیگری که از این متون شده است، بیان می‌شود. در بخش دیگر نیز عباراتی از کتاب مقدس ذکر و تشریح می‌شود که با این آموزه ناسازگارند.

- مستندات انتساب آموزه «گناه ذاتی» به کتاب مقدس**

برخی از عباراتی که در این زمینه، الهی‌دانان مسیحی بدان استناد کرده‌اند، مربوط به عهد قدیم و برخی مربوط به عهد جدید است. در این بخش، ابتدا عبارات عهد قدیم و سپس عبارات عهد جدید ذکر می‌شود. قبل از وارد شدن به این بحث، ذکر ۲ نکته ضروری است. **اول** - در بسیاری از منابع الهیاتی مسیحیت، تنها به برخی عبارات‌های کتاب مقدس که از اهمیت بیشتری برخوردار است، اکتفا شده (دایره‌المعارف الهیات، ۱۹۸۲، مدخل گناه ذاتی) **دوم** - علاوه بر عباراتی که در ادامه ذکر خواهد شد، نکات مشابه دیگری نیز وجود دارد که برای رعایت اختصار، از ذکر آنها صرف‌نظر می‌کنیم.(۱:۵ تکثات، ۱۹۰۳، ص ۱۰۱-۱۰۳)

- عهد قدیم**

به‌طور کلی می‌توان گفت در عهد قدیم، متنی که به روشنی توان ساختن آموزه «گناه ذاتی» را داشته باشد، وجود ندارد. همچنین نمی‌توان در آن کلامی را یافت که به ارتباط گناه آدم(ع) و سایر انسان‌ها اشاره کرده باشد اما در عین حال، مطالبی در آن وجود دارد که به نحوی اندیشه گناه موروثی را تأیید می‌کند؛ از جمله این مطالب، می‌توان به همگانی بودن گناه، گناهکار بودن انسان از هنگام تولد، تلقی نیروی خارجی و مجازا از گناه و تصور شرارت‌آمیز بودن انسان اشاره کرد.(تثناث، ۲۰۰۳، ج ۷، ص ۵۵۸) ایین مطالب را به همراه اصل داستان «گناه نخستین» که منشأ آموزه «گناه ذاتی» است، می‌توان به عنوان مستندات عهد قدیم بر این آموزه دانست و آنها را در دسته‌های ذیل بیان کرد:

دسته اول: اصل داستان «گناه نخستین» که در «سفر پیدایش» ذکر شده است:

«یهُوَ خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید. و یهوه خدا باغی در عدن به طرف مشرق عرس نمود و آن آدم را- که سرشته بود- در آنجا گذاشت. و یهوه خدا هر درخت خوش‌نما و خوش‌خوراک را از زمین رویانید و درخت حیات را در وسط باغ و درخت معرفت نیک و بد را… پس یهوه خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید و یهوه خدا آدم را امر فرموده، گفت: از همه درختان باغ می‌ممانعت بخور اما از درخت معرفت نیک و بد زهار نخوری؛ زیرا روزی که از آن

آیا انسان ذاتاً گناهکار است؟!

واکاوی مستند اعتقاد مسیحیان درباره «گناه ذاتی» نسل بشر

آیا انسان ذاتاً گناهکار است؟!

- سید مصطفی حسینی*

طبق عبارت ۷:۵۱ «مزامیر» «هرا با زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا شست‌وشو کن تا از برف سفیدتر گردم» نیز باید معتقد شوم «زوفا» (نام گیاهی است) گناه را پاک می‌کند.

۳- علاوه بر این به نظر می‌رسد در بسیاری از این موارد (که کتاب مقدس به گناهکاری عمومی انسان‌ها اشاره می‌کند) کتاب مقدس خبر از وضع موجود انسان می‌دهد. برای مثال درباره عبارت ۴:۱۴ از کتاب «یوب» گفته شده است: این عبارت نشان از وضعیت شکننده و میرا بودن انسان می‌دهد، نه اینکه بر نجاست باطنی انسان دلالت کند. (توکل۱، ص ۱۳۸۴، ص ۱۶۲)

۴- دلیل دیگر بر ناکافی بودن سخنان عهد قدیم بر آموزه «گناه ذاتی» عملکرد یهودیان است. یهودیان با اینکه عهد قدیم و مضامینش را قبول دارند اما هرگز گناه آدم(ع) را متوجه دیگران ندانسته، معتقد به آموزه گناه ذاتی نشدند.

- عهد جدید**

درباره عبارات ۱۲:۵ و ۱۹:۵ «رساله به رومیان» که از دلایل مهم این آموزه محسوب می‌شود، می‌توان گفت:

الف- برخی محققان تفسیر آگوستین از عبارت ۱۲:۵ «رساله رومیان» را (یعنی همان برداشت گناه ذاتی از آن) تفسیری نادرست می‌دانند، زیرا به اعتقاد آنان آگوستین ترجمه لاتین این آیه را دیده و نتوانسته است تفسیر صحیحی از اصل آن ارائه دهد. به نظر می‌رسد با تأمل در زبان اصلی (یونانی) «رساله پولس» متوجه می‌شویم پولس در این عبارت در صدد بیان این مدعا نبوده که همه انسان‌ها در آدم(ع) گناه کردند و پیامد آن مرگ برای همه انسان‌هاست بنابر این آگوستین به اشتباه گمان می‌کرد عبارت پایانی این رساله (in whom) به یک انسان یعنی آدم(ع) بازمی‌گردد و نتیجه می‌گیرد سقوط آدم(ع) نه‌تنها مرگ را برای جهان به بار آورد بلکه باعث گناه جهان نیز شد. (کواین، ۱۹۹۸، ج ۸، ص ۷۹۳) -به همین سبب یکی از تفاسیری که برای عبارت ۱۲:۵ «رساله رومیان» شده، گناهان شخصی انسان‌هاست. توضیح بیشتر اینکه چون همه ما انسان‌ها به صورت شخصی مرتکب گناه می‌شویم، همان خسارتی را که آدم(ع) دیده، ما هم می‌بینیم بنابر این این بند چنین ترجمه می‌شود که چون همه مرتکب گناه شده‌اند، مرگ سرگ آنها می‌آید. (اریکسون، ۱۹۹۰، ص ۳۳۷) **ب-** دربرابر دلیل ۱۹:۵ «رساله به رومیان» نیز گفته شده پولس از مجازات و تنبیه استفاده کرده و گناهکاران را به جای افراد فانی قرار داده است. بدین روی تفسیر جدیدی از این فقره مطرح خواهد شد: «زیرا همگانگونه که به‌سه خاطر نافرمانی یک نفر، عده زیادی به حالت فنانابپذیری که حالت گناهکاران است، محکوم شدند همانطور که با اطاعت از یک نفر، تعداد زیادی پرهیزکار خواهند شد یعنی دوباره به زندگی بازمی‌گردند چنانکه گویا اصلا گناهکار نبوده‌اند» بنابر این باید گفت در این صورت نافرمانی آدم(ع) موجب فنانابپذیری نسلش شده است، نه گناهکاری. (کواین، ۱۹۹۸، ج ۸، ص ۷۹۴)

پ- نکته مهم دیگر درباره «رساله به رومیان» ایهام عبارت پولس است. این ایهام به گونه‌ای است که می‌توان هر کدام از نظرزای متفاوت کلیسا در قرون ابتدایی میلادی نسبت به آموزه «گناه ذاتی» را بر آن منطبق کرد.

الف- درباره سخنان پولس در «رساله به قرتیان» نیز می‌توان به اوضاع بد اخلاقی شهر «قرنتس» و کلیسای آنجا اشاره کرد. این شهر که از لحاظ اقتصادی مهم محسوب می‌شد، به عیش و نوش شهرت داشت. ادیان کفر و رواج مادپرگاری و بی‌پندوباری موجب شده بود دغدغه‌های اخلاقی بیشتری ایجاد شود. (پترسن، ۱۳۸۴، ص ۶۴؛ بی‌تا، ص ۱۹۰-۲۰۰) شاید بتوان همین مسائل را در نوع سخنان پولس نسبت به قرتیان که بر گناهکاری عمومی آنان تکیه دارد، موثر دانست. به همچنین درباره قیاسی که پولس میان آدم(ع) و مسیح انجام داده، همچنانکه در «رساله به رومیان» گفته شد، می‌توان این سخنان را بر امکان حمل کرد بنابر این آدم(ع) امکان گناه و مرگ را به جریان انداخت و مسیح امکان حیات و زندگی را به جریان انداخت.

- جمع‌بندی دلایل و پاسخ‌ها**

با توجه به دلایل استناد آموزه «گناه ذاتی» به کتاب مقدس که ذکر شد می‌توان آنها را در چند عنوان کلی قرار داد:

۱- گناه همگانی انسان‌ها

۲- شریانه بودن ذاتی انسان‌ها

۳- عبارت ۱۲:۵ «رساله به رومیان» و مقایساتی که پولس بین آدم و مسیح انجام داده است.

۴- متنی که ایهام به مسیح را حیات جدید انسان معرفی می‌کند، اما براستی این دلایل تا چه حد توان اثبات آموزه گناه ذاتی را دارند؟ ۲ دلیل اول در نهایت، خیانت و عملکرد بد انسان را اثبات می‌کنند و این نمی‌تواند تاسیس‌کننده آموزه «گناه ذاتی» باشد. مشابه این دسته از عبارات را که از بدی انس ان حکایت می‌کند، می‌توان حتی در قرآن نیز یافت: ﴿لَإِنِ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذْ مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِنَّا مَسَّهَ الْخَيْرَ مَنُوعًا﴾ (معارج، ۱۹-۲۰) «خلق انسان ضعیفاً» (نساء، ۲۸) ﴿لَإِنِ الْإِنْسَانَ لَظُلُومٌ كَفَّارٌ﴾ (ابراهیم، ۳۴) این دسته آیات نیز بر ضعف و ناتوانی انسان دلالت دارند اما هیچ مسلمانی از این دسته آیات، عجز ذاتی انسان را نتیجه نگرفته و تنها بر عمل بد انسان حمل می‌شود.

الف- عدالت خدا

مطابق کتاب مقدس، «عدل» یکی از صفات خداوند متعال است: «یهُوَ عادل است در جمیع طریق‌های خود، و رحیم در کل اعمال خویش». (مزامیر، ۱۷:۱۴۵) بنا بر این صفت، نمی‌توان هیچ فعل قبیح و ناشایستی را به خداوند نسبت داد. یکی از نمونه‌های این موضوع (عدم استناد فعل قبیح به خدا) دستور هلاکت شهر سدوم به خاطر گناهکاری ساکنان آن است. ابراهیم در این زمان با اشاره به اینکه در آن شهر افراد درستکاری وجود دارند، خداوند را اینگونه خطاب می‌کند: «یا عادل را با شریر هلاک گذاری؟ شاید در شهر پنجاه تن عادل باشند. آیا آنان را هلاک خواهی کرد و آن مکان را به خاطر آن پنجاه عادل که در آن باشند، نجات نخواهی داد، حاشا! از تو که مثل این کار

واکاوی مستند اعتقاد مسیحیان درباره «گناه ذاتی» نسل بشر

آیا انسان ذاتاً گناهکار است؟!

- سید مصطفی حسینی*

بکنی که عادلان را با شریران هلاک سازی و عادل و شریر مساوی باشند! حاشا! از تو! آیا داور تمام جهان انصاف نخواهد کرد؟ خداوند گفت: اگر پنجاه عادل در شهر سدوم پیام، هر آینه تمام آن مکان را به

خاطر ایشان رهایی دهم». (پیدایش، ۱۸: ۲۲-۲۳)

- رحمت و مهربانی خداوند**

یکی از صفات خداوند «رحمت و مهربانی» او نسبت به بندگانش است. کتاب مقدس نیز بارها به این مسأله اشاره کرده است. برای نمونه در ماجرای درخواست حضرت موسی برای مشاهده خدا او خود را چنین معرفی می‌کند: «ای یهُوَ پیش روی وی عبور کرده، ندا در داد که یهُوَ یهُوَ خدای رحیم و رؤف و دیرخشم و کثیر احسان و وفا، نگاه‌دارنده رحمت برای هزاران و آمرزنده خطا و عصیان و گناه». (خروج، ۳۴: ۶-۷) همچنین می‌توان عبارات دیگری را نیز ذکر کرد: «یهُوَ را حمد گوید زیرا رحمت او تا ابدالآباد است». (دوم تواریخ الایام، ۲۱:۲۰) در عبارتی دیگر حضرت داوود رحمت خداوند را واسطه نجات خود قرار می‌دهد: «ای یهُوَ خدای من، مرا اغلت فرما و به حسب رحمت خود مرا نجات ده». (مزامیر، ۲۶:۱۰۹) کمال محبت نیز به خداوند نسبت داده شده است: «محبت از خداست و هر که محبت می‌نماید از خدا مولود شده است و خدا را می‌شناسد و کسی که محبت نمی‌نماید خدا را نمی‌شناسد زیرا خدا محبت است». (اول یوحنا، ۱: ۷-۹) یکی از شئون رحمت و مهربانی خداوند، توبه‌پذیری و بخشش گناهان بنده خود است. در پیامی که حزقیال نبی برای قوم خود بازگو می‌کند، سخنانی را از جانب خداوند نقل می‌کند که نشانگر توبه‌پذیر بودن او است: «و اگر مرد شریر از همه گناهانی که ورزیده باشد بازگشت کند و جمیع فرایض مرا نگاه داشته، انصاف و عدالت را به جا آورد، او البته زنده می‌ماند، نخواهد مرد. تمام تقصیرهایی که کرده باشد به ضد او به یاد آورده نخواهد شد، بلکه در عدالتی که کرده

- مسئولیت شخصی اعمال**

کتاب مقدس بارها تصریح کرده گناه هر کس بر عهده خود اوست و هر کس مسؤول اعمال خودش است. برای نمونه در عبارات ذیل به این موضوع اشاره شده است: و کلام یهوه بر من نازل شده،گفت: شما چه کار دارید که این مثل را درباره زمین اسرائیل می‌زنید و می‌گویید: پدران انگور ترش خوردند و دندان‌های پسران گند گرید. هر کسی که گناه ورزد او خواهد مرد و اگر کسی عادل باشد و انصاف و عدالت را به عمل آورد، البته زنده خواهد ماند. (حزقیال، ۱۸: ۱-۹) در ادامه همین باب نیز بیان شده است: اگر فرزند انسان مرتکب اعمال زشت شود، در این صورت، فرزند نیز گناهکار است؛ اما اگر از خلاف اعمال پدر، خداترس باشد و گناهان پدر را مرتکب نشود، در این صورت، او به خاطر گناهان پدر کیفر و بازخواست نخواهد شد؛ زیرا «پسر متحمل گناه پدرش نخواهد بود و پدر متحمل گناه پسر نخواهد بود. عدالت مرد عادل بر خود خواهد بود». (حزقیال، ۲۰:۱۸)

- برخورد با اطفال**

یکی از لوازم بحثگشای آموزه «گناه ذاتی»، مربوط به نوزادانی می‌شود که پیش از انجام غسل تعمید از دنیا می‌وند. این آموزه پیانگر ذات ناپاک و آلوده نوزادان است که نتیجه آن گناهکار بودن آنان و حتی مستحق مواخذه شدن آنان است. (تثناث، ۲۰۰۳، ج ۷، ص ۵۶۱) در یکی از احکام شورای کارتاژ، بیان شده است: افرادی که نوزادان را نیازمند غسل تعمید نمی‌دانند یا جایگاهی خوب و مسرتبخش برای نوزادان مرده غسل تعمید داده نشده در ملکوت آسمان قابلند، تکفیر می‌گردند. (وان وورست، ۱۳۸۴، ص ۱۷۹) این در حالی است که به مراجعه به کتاب مقدس، متوجه رفتار حضرت عیسی(ع) با بچه‌های کوچک می‌شویم که خود پیانگر موصومت و آلوده نبودن آنان است. انجیل گزارش می‌دهند که عیسی(ع) نه‌تنها آنان را گناهکار نمی‌دانست، بلکه ملکوت آسمان را نیز مخصوص افرادی می‌دانست که مانند اطفال، دل‌هایی پاک و بی‌آلایش داشته باشند.

- نتیجه‌گیری**

موفقان با انتساب آموزه «گناه ذاتی» به کتاب مقدس، به عباراتی از عهد قدیم و عهد جدید استتدلال کرده‌اند. نمونه‌های ذکر شده از عهده قدیم غالباً از کتاب‌های «مزامیر» و «یوب» است که علاوه بر شعری بودن آنها و حمل بر استعاره شدن، توان ساختن آموزه گناه ذاتی را ندارند. در عهد جدید نیز عباراتی از «رساله به رومیان»، دلیل مهم این آموزه ذکر شده است. در بررسی آن روشن شد مبهم بودن و تفاسیر دیگری که بر این آموزه منطبق نمی‌شود، از مهم‌ترین نقاط ضعف این عبارات است. از سوی دیگر، متونی در کتاب مقدس وجود دارد که با نتایج و لوازم آموزه «گناه ذاتی» ناسازگار است. از جمله آنها، نمونه‌هایی است که بر عدالت خداوند، رحمت گسترده او، قدرت مطلق بودنش، مسئولیت شخصی اعمال و وضعیت اطفال دلالت می‌کند.

❖ دانش‌پژوه دکترای کلام

موسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی(ره)
منبع: ماهنامه «عرفت»

